

**بررسی تاثیر اتخاذ سیاست‌های محافظه کارانه بر عملکرد جاری شرکت با در نظر گرفتن
استقلال و ترکیب هیئت مدیره و اندازه شرکت با استفاده از تجزیه و تحلیل رگرسیونی در
شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران**

رضا پزشکی زاده^۱، رضا هاشمیان^۲

۱. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. ایران

۲. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز. ایران

چکیده

هدف این مقاله، روشن کردن اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره در ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت‌ها است. مطالعات قبلی، تاثیر حاکمیت شرکتی^۱ روی سطح محافظه کاری حسابداری را بررسی کرده‌اند. هدف ما، مطالعه‌ی تاثیر روی ارتباط بین سطح محافظه کاری حسابداری و عملکرد یک مکانیسم حاکمیت مرکزی، یعنی هیات مدیره، است. با استفاده از نمونه‌ای از ۶۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۹۰-۱۳۸۵، ما به بررسی تاثیر اندازه، ترکیب، و ساختار یک چنین مکانیسمی روی ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت‌های می‌پردازیم. بنابراین، اغلب یافته‌های ما از تاثیر تعدیل کننده‌ی یک چنین مکانیسمی را که توسط مطالعات قبلی نادیده گرفته شده یا رد شده است پشتیبانی می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: هیات مدیره، اثر تعدیل کننده، محافظه کاری حسابداری، عملکرد.

پیشگفتار

ما در حال حاضر شاهد مجموعه‌ای از توصیه‌ها درباره‌ی حاکمیت و کیفیت اطلاعات حسابداری افشا شده توسط شرکت‌های بزرگ هستیم. چنین توصیه‌هایی می‌توانند نقص‌ها را به منظور حل کردن یا کنترل آن‌ها تشخیص دهند [۱]. در این زمینه، محافظه‌کاری حسابداری، ابزاری است که اغلب برای ارزیابی کیفیت استانداردهای حسابداری استفاده می‌شود. طبق کادبری و مالین^۱ سیستم حاکمیت، نیاز به کیفیت خوب اطلاعات برای حذف یا کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران اجرایی شرکت و ذینفعان آن‌ها دارد [۲]، [۳]. سیستم‌های حاکمیت در عین حال می‌توانند قدرت و تاثیر ارتباط بین اطلاعات حسابداری و عملکرد را تعدیل کنند. نقش آن‌ها از نظر عوامل و ابزار، ضروری است. طبق نظر گری^۲، محافظه‌کاری حسابداری، یک معیار حسابداری محتاطانه در برخورد با عدم قطعیت رویدادهای آینده است. این عملکرد، طبق سیستم‌های انگلو-ساکسون^۳ یا حسابداری اروپایی تغییر می‌کند [۴]. بیچانک و روئه^۴ دو منبع وابستگی به حاکمیت شرکت را شناسایی کردند [۵]. منبع اول توسط ساختارهایی که از قبل وجود داشته‌اند هدایت می‌شود و منبع دوم توسط قواعد قانونی حاکم بر روابط بین سهامداران، سرمایه‌گذاران و رهبران هدایت می‌شود. دافینز و گویگوس^۵ سعی در توضیح تفاوت‌های دائمی در ساختارهای حاکمیت، به ویژه بین آمریکا و اروپا داشتند و روش‌های مختلفی را برای پیروی توسط کشورهایی که بر اساس سیستم‌های قانونی مختلف پایه‌گذاری شده‌اند ارائه دادند [۶].

به گفته‌ی مانکز^۶ حاکمیت شرکتی، وسیله‌ای است که تصمیم‌گیرندگان غالب (معمولاً مدیران) با استفاده از آن، توسط سایر ذینفعان کنترل می‌شوند. ساختار حاکمیت، تخصیص حقوق و مسئولیت‌ها را در میان شرکت کنندگان مختلف در شرکت، مانند هیات مدیره، مدیران، سهامداران، و سایر ذینفعان تعیین می‌کند و قوانین و روال‌های مورد نیاز برای تصمیم‌گیری را به وضوح توضیح می‌دهد. آن همچنین به توصیف اهداف تعیین شده و ابزارهای لازم برای دستیابی به این اهداف و نظارت عملکرد می‌پردازد (OECD, 1999).

مطالعات تجربی، که بر ارتباط بین ساختار حاکمیت و انتشار اطلاعات تمرکز دارند، نتیجه گرفتند که پیوندهایی بین برخی مکانیسم‌های حاکمیت و افشای داوطلبانه‌ی اطلاعات وجود دارند. اطلاعات از طریق این مکانیسم‌ها در تخصیص منافع سهامداران و مدیران اجرایی دخیل می‌شوند. طبق نظر ژاکویلات^۷، هیات مدیره، با استفاده از حسابرسی داخلی، کنترل نسبت به گزارش مالی را تضمین می‌کند [۷]. از سوی دیگر،

1. Cadbury and Mallin
2. Gray
3. Anglo-Saxon systems
4. Bebbuchuck and Roe
5. Deffains and Guigou
6. Monks
7. Jacquillat

جان و سنبت و فاما استدلال می کنند که مشخصات هیات مدیره می تواند روی کیفیت گزارش مالی تأثیر بگذارد [۸، ۹]. در واقع، هیات مدیره، منبع اصلی اطلاعات سالانه و فصلی برای سهامداران است [۱۰]. کارکرد اصلی آن، نظارت فعالانه ی تیم مدیریت و هدایت مجدد آن در صورت نیاز است [۱۱، ۱۲]. آن مستقیماً از طریق رای سهامداران وارد می شود و می تواند رهبران را وادار به ارائه ی اطلاعات با کیفیت بالا کند. طبق نظر میزروچی، عضو چند هیات مدیره بودن، منبع اطلاعات مهمی در مورد عملکردها و سیاست های شرکت را برای مدیران فراهم می کند [۱۳]. آن (عضو چند هیات مدیره بودن)، یک تعیین کننده است که دارای ارتباط مثبتی با درک سهامداران از توانایی آن ها برای سهم شدن در بحث های هیات مدیره است [۱۴].

از آن جایی که هیات مدیره، عضوی نظارتی است که اثرگذاری آن ضروری است، تجزیه و تحلیل تأثیر آن روی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده توسط سطح محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت، جالب خواهد بود. در این راستا، ما به دنبال پاسخ به پرسش زیر هستیم: سهم هیات مدیره در ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت چیست؟ برای این منظور، ملاحظه ی اثر تعدیل کننده ی این مکانیسم، ضروری خواهد بود. قرار دادن این تأثیر در محدوده ی تجزیه و تحلیل ما به بهبود تحقیقات موجود و تکمیل تجزیه و تحلیل هایی که به این مساله می پردازند کمک می کند. ادامه ی مقاله به صورت زیر سازماندهی می شود: ما با مرور مختصری از تحقیقات تجربی آغاز می کنیم. توصیف داده های نمونه و متغیرها و همچنین ارائه و بحث یافته های تجربی ما در بخش بعد انجام خواهد شد.

مرور تحقیقات و توسعه ی فرضیه

به عنوان یک مکانیسم داخلی سیستم حاکمیت، هیات مدیره به عنوان یک وسیله ی کنترل داخلی که حل تعارض، تدارکات (خرید) و تخصیص منابع و همچنین تعیین انتخاب های راهبردی را تضمین می کند در نظر گرفته می شود. تجزیه و تحلیل نظری هیات مدیره، به ویژه بین نظریه های قراردادی (مالی و مشارکتی) و راهبردی (استراتژیک) تمایز ایجاد می کند [۱۵].

برای استراتژی های سابق، عملکرد هیات مدیره، تعلیم رهبران است، در حالی که برای استراتژی های بعدی، آن (عملکرد هیات مدیره) ترجیحاً ابزاری شناختی است که به ایجاد مهارت کمک می کند. از یک چشم انداز انطباقی (تعلیمی)، هدف هیات مدیره، محافظت از منافع سهامداران است [۹، ۱۶، ۱۷]. آن دارای قدرت دخالت، ارزیابی، پرداخت و خاتمه دادن به خدمت رهبران و همچنین تصویب و کنترل تصمیمات راهبردی است. مداخله ی هیات مدیره شامل انگیزه ی مدیران اجرایی برای موثر واقع شدن از

طریق سیستم‌های پاداش (انعام، اختیارات سهام) یا از طریق تهدید آن‌ها به فسخ قرارداد است. پس از یک مبادله‌ی مالی بی کیفیت، هیات مدیره می‌تواند مجازات کند یا فسخ را در نظر بگیرد که هدف آن مجازات رهبران بی کفایت و فرصت طلب است [۱۸].

در یک چشم‌انداز استراتژیک، هدف مدیران ترجیحا افزایش ثروت سهامداران به وسیله‌ی بهبود موقعیت رقابتی شرکت است. نقش آن (هیات مدیره)، توسط مشارکت و تعهد مدیران در تعریف، انتخاب، و اجرای استراتژی‌های شرکت آشکار می‌شود [۱۹]. وظیفه‌ی شورا به طور کلی شامل بررسی و نظارت استراتژی این تعهد است [۲۰].

گودستین^۱ و همکاران، نقش استراتژیک هیات مدیره را به عنوان تعیین کننده‌ی اصلی تغییرات خط‌مشی که به طوری که به سازمان در تطبیق با تغییرات قابل توجه کمک خواهند کرد، تعریف کردند [۲۱]. مدیران، خود، توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند [۱۰]. آن‌ها همچنین نقش دو جانبه‌ای را بین حاکمیت سهامداران که از طریق مجمع عمومی بیان می‌شود و جهت کلی شرکت بر یک اساس روزانه ایفا می‌کنند [۲۲]. هیات مدیره، رهبران را وادار به آشکار ساختن استراتژی‌های خود و محدود ساختن قدرت اطلاعاتی خود هنگامی که اطلاعات به سهامداران منتقل می‌شوند می‌کند.

با توجه به چشم‌اندازهای نظری اصلی، واضح است که کیفیت یک هیات مدیره، بر اساس نقش مهم آن در ایجاد ارزش طراحی می‌شود. تاثیر آن روی کیفیت اطلاعات و توجیهات تجربی متناظر آن‌ها را می‌توان به صورت جدول ۱ خلاصه کرد.

جدول ۱. تأثیر هیات مدیره روی کیفیت اطلاعات

طرح	فرضیات	نظریه ی نمایندگی	توجیه تجربی
هیات مدیره	اندازه	کوچک	Abbot, Parker et Peters (2002) et Davidson et Dahalt (2002), Bedard, Coutreau et Chtourou (2001), Coulton, James et Taylor (2001), Peasnell, Pope et Young Dechow, (1998), Beasley, (1996); Sloan et Sweeney (1996); Lipton et Lorsh (1992).
هیات مدیره	استقلال هیات مدیره	بزرگ	Cormier (2007), Mezghani et Ellouze (2007), Cheng et Courtenay and Krishnamurti, Chtourou, Bédard et (2005), Courteau (2001), Chen et Jaggi (2000), Haniffa et Cooke (2000), (1996), Malone, Fries et Beasley Jones (1993), Williamson (1983), Leftwich, Watts et Zimmerman (1981).
هیات مدیره	استقلال هیات مدیره	کوچک	Eng et Mak (2003), Godard et Schatt (2000), Forker (1992).
هیات مدیره	استقلال هیات مدیره	خنثی	Coulton, James et Taylor (2001), Wright (1996).
هیات مدیره	ترکیب عملکردها	بزرگ	Labelle et Schatt (2005), Gul et Leung (2004), Wong (2001), Forker (1992).
هیات مدیره	ترکیب عملکردها	کوچک	Godard et Schatt (2004), Godard et Schatt (2003).
هیات مدیره	ترکیب عملکردها	خنثی	Coulton, James et Taylor (2001) et Hanifa et Cooke (2000).

با این حال، کارایی هیات مدیره وابسته به مشخصات آن است. طبق نظر جان، سنبت و فاما، اندازه، ساختار و ترکیب عملکردها، ویژگی هایی از هیات مدیره هستند که ممکن است روی کیفیت اطلاعات تأثیر داشته باشند [۸، ۹]. تمرکز چند مطالعه روی توانایی اندازه ی هیات مدیره برای کنترل اختیارات (صلاح دید) رهبر

بوده است [۲۳-۲۵]. طبق نظر جنسن، اضافه کردن یک مدیر اضافی ممکن است منجر به افزایش قابلیت کنترل هیات مدیره شود، در حالی که نقش آن توسط هزینه‌های حاشیه‌ای در زمینه‌ی ارتباطات و تصمیم‌گیری تعدیل می‌شود. جنسن، یک اندازه‌ی متوسط هیات مدیره، متشکل از ۷ تا ۸ عضو را پیشنهاد داد [۲۳]. کارایی یک هیات مدیره‌ی بزرگ هنوز می‌توان توسط مشکلات ارتباطی و هماهنگی اعضای آن محدود شود، که این به رهبر، یک حاشیه‌ی آزادی اضافی را ارائه می‌دهد. برای لیپتون و لورش، اندازه‌ی هیات مدیره، فرایند ارتباطات را کاهش می‌دهد و تصمیم‌گیری را برای آن مشکل‌تر می‌سازد [۲۶]. طبق نظر زغال^۲ و همکاران، اعضا اغلب با مشکلات هماهنگی و ریسک تبانی (سازش) بین خود (اعضا) روبرو می‌شوند [۲۷]. گودارد و اسکات^۳ کشف کردند که هیات‌های بزرگ، ناموثر هستند و ممکن است پس از ظهور ائتلاف‌ها و تعارض‌های گروهی تفکیک شوند و مشکلاتی را در رابطه با هر گونه اجماع (توافق) روی تصمیمات مهم و به طور کلی دارای ویژگی تسلط رهبران، که محافظت منافع سهامداران را کاهش می‌دهد، نشان دهند [۲۸]. برخی نویسندگان دیگر، از این ایده حمایت کردند که یک هیات مدیره‌ی کوچک ممکن است کارآمدتر باشد [۲۹، ۳۰]. یرماک و ایزنبرگ^۴ و همکاران کشف کردند که اندازه‌ی هیات مدیره دارای همبستگی منفی با عملکرد شرکت است [۲۴، ۳۱]. این را می‌توان به وسیله‌ی مشکلات هماهنگی و ریسک تبانی که ممکن است بین اعضای هیات مدیره رخ دهد توضیح داد، که این امر با اغلب مطالعات سازگار است [۲۷، ۲۹، ۳۰]. سایر نویسندگان، بر اساس اصول انسجام گروهی، ادعا کردند که یک هیات مدیره‌ی کوچک ممکن است کارآمدتر باشد [۲۹، ۳۰]. علاوه‌براین، ما باید ساختار رهبری را به منظور تشخیص تاثیر آن روی کیفیت اطلاعات مطالعه کنیم.

کلین نشان داد^۵ که ساختار هیات مدیره دارای تاثیر قابل ملاحظه‌ای روی افشای اطلاعات مالی مرتبط و معتبر داشته باشد [۳۲]. طبق نظر پیسنل، پاپ، یینگ، و ویباچ^۶، هیات مدیره، مکانیسم کلیدی برای کنترل فرصت‌طلبی رهبری است [۳۳، ۳۴]. آن باید شامل مدیران داخلی و مدیران مستقل خارجی که با توجه به این که شرکت را به خوبی می‌شناسند می‌توانند به تصویب (انعقاد) تصمیم کمک کنند و مدیران خارجی مستقل که می‌توانند کنترل رهبران را تضمین کنند باشد. تافیفی و دوفور^۷ بیان کردند که نقش اصلی مدیران مستقل، کنترل رهبران به منظور تضمین عملکرد و محافظت از منافع سهامداران است [۳۵]. در این زمینه، کارایی هیات مدیره، با توجه به میزان استقلال آن از رهبران ارزیابی خواهد شد [۳۶].

علاوه‌براین، فاما و جنسن ادعا کردند که هیات مدیره عمدتاً متشکل از مدیران مستقلی است که به نظر می‌رسد دارای تمایل بیشتری به نظارت مدیران اجرای دارند [۱۷]. نویسندگان دیگر کشف کردند که

1. Lipton and Lorsh
2. Zéghal
3. Godard and Schatt
4. Yermack and Eisenberg
5. Klein
6. Peasnel, Pope and Yeung and Weibach
7. Tifafi and Dufour

حضور مدیران خارجی مستقل در هیات مدیره، تعارضات نمایندگی و رفتار فرصت طلبانه ای اثبات شده توسط رهبران را کاهش داد [۳۷، ۳۸]. رزنتین و ویات استدلال می کنند که حضور مدیران خارجی مستقل دارای تأثیر مثبتی روی عملکرد شرکت است [۳۹]. از سوی دیگر، وینباچ معتقد است که حضور آنها می تواند جایگذاری یک رهبر ناکارآمد را کاهش دهد [۳۴]. برای چاروکس، دیلی، دالتون، میزروچی و استرنز، هدف از انتصاب مدیران خارجی، کنترل بهتر رهبر و فراهم ساختن مهارت و قضاوت عینی، که تنها با مدیران داخلی که در مدیریت بسیار دخالت دارند می تواند تضمین می شود، برای هیات مدیره است [۴۰-۴۲] در این زمینه، مطالعات هنیفه و کوک آدر مورد برخی شرکت های فهرست شده ی مالزیایی بیان کردند که ارتباط مثبتی بین نسبت مدیران مستقل و کیفیت افشای گزارش سالانه وجود دارد [۴۳]. به طور خلاصه، مدیران داخلی، که مشارکت زیادی در مدیریت داخلی شرکت دارند، دارای قدرت کافی برای مخالفت با تصمیمات رهبران نیستند. آنها (مدیران داخلی) هنوز ممکن است که برای رعایت منافع آنها (رهبران) در معرض فشار آنها (رهبران) قرار گیرند. به طور خلاصه، مدیران خارجی، ابزار مناسبی برای کاهش تعارض های نمایندگی بر علیه مدیران داخلی هستند.

ما همچنین باید اثر جمعی مواضع اجرایی شرکت و هیات مدیره روی کیفیت اطلاعات را مطالعه کنیم. در تحقیقات مربوط به تفکیک موقعیت ها بین مدیر عامل و رئیس هیات مدیره، نظرات متفاوتی وجود دارند. در حقیقت، برخی، این تفکیک را محکوم می کنند در حالی که دیگران از آن حمایت می کنند. طبق نظریه ی نمایندگی، برای بهبود نظارت، عملکردهای کنترل و تصمیم گیری باید باید تفکیک شوند، جنسن نیز این ایده را حمایت می کند و بیان می کند که عملکرد دوگانه ی رئیس و رهبر هیات مدیره به تقویت تعارضات مربوط به منافع کمک می کند [۲۳]. علاوه بر این، برای جنسن، مکلینگ و جنسن، دوگانگی عملکرد می تواند کارایی مکانیسم های حاکمیت را کاهش دهد و همچنین منبع تعارضات منافع بین مدیران و سهامداران باشد [۱۶، ۲۳]. گودارد و اسکات کشف کردند که ترکیب عملکردها به مدیران این امکان را می دهد که از پروژه هایی که آغاز کرده اند راحت تر دفاع کنند اگرچه آنها برای سهامداران ایجاد ارزش نکنند [۲۸]. بنابراین، تفکیک قدرت ها برای کاهش هزینه های نمایندگی ضروری است. برای برخی محققان، مانند سانلا و لوباتکین^۲ و اسریدهاران و مارسینکو^۳ دوگانگی عملکردها توصیه می شود زیرا این کار به اجتناب از ارتباط نادرست و تناقضات بین انتظارات و اعمال کمک می کند و انعطاف پذیری بیشتری را برای تسخیر فرصت های جدید ارائه می دهد [۴۴، ۴۵]. دچتر و دالتون^۴ با بررسی معیارهای حسابداری،

1. Rosentein and Wyatt
2. Charreaux, Daily and Dalton and Mizruchi and Stearns
3. Haniffa and Cooke
4. Cannella and Lubatkin
5. Sridharan and Marsinko
6. Rechner and Dalton

کشف کردند که شرکت‌هایی که دارای ساختار مدیریتی جداگانه هستند دارای عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های دارای ساختار مدیریت ترکیبی هستند [۴۶].

ما، بر اساس استدلال‌های ذکر شده در بالا، فرض خواهیم کرد که هیات مدیره و مشخصات آن دارای تاثیر تعدیل کننده‌ای روی ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و عملکرد سازمان هستند. از این رو، بحث پیشین، فرضیه‌ی زیر را پیشنهاد می‌دهد:

H. هیات مدیره دارای اثر تعدیل کننده‌ای روی ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت است.

داده‌ها و توصیف نمونه

نمونه‌ی مطالعه

مطالعه‌ی ما دوره‌ی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ را پوشش می‌دهد و روی ۶۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تمرکز می‌کند. انتخاب ما از دوره‌ی مطالعه، توسط تکامل سطح محافظه کاری حسابداری به دنبال تصویب استانداردهای IFRS در سال ۲۰۰۵ توضیح داده می‌شود. این، ما را در جهت تخمین مدل‌های رگرسیون داده‌های پانل، که اثرات انفرادی شرکت‌ها و دوره‌ی تحت مطالعه را ملاحظه می‌کنند، هدایت خواهد کرد. در داده‌های پانل، مدلی که ناهمواریانسی^۱ و خود-همبستگی را در نظر می‌گیرد مدل «حداقل مربعات تعمیم یافته‌ی ممکن» (FGLS) است، که انتخاب ما درباره‌ی استفاده از این روش جستجو را توضیح می‌دهد. داده‌های حاکمیت و سایر داده‌ها به صورت دستی از گزارش‌های سالانه‌ی شرکت‌ها که روی سایت سازمان بورس اوراق بهادار تهران قابل دسترس هستند و با استفاده از نرم افزارهایی چون نوین پرداز استخراج شدند. ما شرکت‌هایی که داده‌های آن‌ها از دست رفته بود، شرکت‌های متعلق به بخش‌هایی که عملکرد خاصی را ارائه می‌دهند، مانند بانک‌ها، و شرکت‌هایی که دارای عملکردهای حسابداری که نیاز به ملاحظه‌ی خاصی داشتند و شرکت‌های که شروع دوره مالی آنها اول فروردین و انتهای دوره مالی ۲۹ اسفند ماه نبود و شرکت‌های که اطلاعات برخی از سال‌های آنها در دسترس نبود و شرکت‌هایی که در سال اول (۱۳۸۵) مورد بررسی وارد بورس شده بودند را حذف کرده‌ایم. نمونه‌ی نهایی شامل ۳۶۰ مشاهده‌ی سال-شرکت بود.

مدل پژوهش و اندازه‌گیری

به منظور مطالعه‌ی تاثیر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره در ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و عملکردهای شرکت، مدل زیر تست خواهد شد:

1. heteroskedasticity
2. Feasible Generalized Least Squares

$$PERF_{it} = \beta_0 + \beta_1(C-SCORE)_{it-1} + \sum \beta(1+h)X_{it-1} + \sum \beta(4+h)(C-Score)_{it-1} * X_{it-1} + \beta_8 TAILLE_{it-1} + \beta_9 ENDET_{it-1} + \beta_{10} Contentieux_{it-1} + \beta_{11} Verification_{it-1} + \varepsilon_{it} E$$

اندیس های i و j به ترتیب متناظر با شرکت و سال (۲۰۱۰-۲۰۰۷) هستند.

PERF: عملکرد سازمان؛ C-Score: محافظه کاری حسابداری؛ **X:** متغیر مربوط به مشخصات هیات مدیره.

عملکرد شرکت: PERF: بررسی مطالعات تجربی موجود، جایگاه غالب اشغال شده توسط معیارهای حسابداری عملکرد شرکت را آشکار می کند [۴۷-۵۰]. دغدغه‌ی ما مقایسه‌ی نتایج خود با نتایج اکثریت کارهای پژوهشی که ما را به ابقای شاخص طبیعی حسابداری ROE (بازده روی حقوق صاحبان سهام) کرده‌اند می‌باشد.

محافظه کاری حسابداری: C-Score: طبق خان و واتز، S-Score، تغییر در محافظه کاری حسابداری در بین شرکت‌ها را منعکس می‌کند [۵۱]. به منظور تخمین سطح محافظه کاری، نویسندگان، مدل باسو^۲ را تطبیق می‌دهند [۵۲]. مدل باسو، که توسط خان، واتز، احمد، و دالمن تنظیم شده است، منجر به محاسبه‌ی سطح محافظه کاری در هر شرکت و برای هر سال می‌شود [۵۱، ۵۳].

متغیرهای هیات مدیره: X: طبق نظر لوبو و ژو^۳، شرکت‌ها به طور متوسط پس از تصویب قانون ساربانز-اوکسلی^۴ در گزارش‌های مالی، محافظه کارتر هستند. به عقیده‌ی Bessieux-Ollier C، شرکت‌های فرانسوی و آلمانی دارای سطوح بالاتر محافظه کاری، در مقایسه با شرکت‌های آمریکایی، هستند [۵۵]. این را می‌توان توسط مشخصات هیات مدیره توضیح داد. در این رابطه، ما می‌توانیم تایید کنیم که مشکلات نمایندگی منجر به فراخوانی مکانیسم‌های حاکمیتی به عنوان تنظیم کننده‌ی رفتار فرصت طلبانه‌ی مدیران می‌شوند. برای این منظور، مطالعه‌ی جامع‌تر مشخصات هیات مدیره و تاثیر آنها روی ارتباط بین عملکردهای شرکت‌ها و محافظه کاری حسابداری، ضروری می‌شود (جدول ۲).

نتایج و بحث‌ها

ما در ادامه، به بحث نتایج به دست آمده درباره‌ی اثر تعدیل کننده‌ی هیات مدیره در ارتباط بین محافظه کاری و عملکرد حسابداری شرکت‌های فهرست شده می‌پردازیم.

1. Khan and Watts
2. Basu
3. Lobo and Zhou
4. Sarbanes-Oxley Act

تجزیه و تحلیل توصیفی

ما در ابتدا آمار توصیفی متغیر به تمامیت متغیرها را گزارش خواهیم کرد. ما آمار توصیفی در طول دوره‌ی ۱۳۸۵-۱۳۹۰ را ارائه می‌دهیم، مانند: میانگین، میانه، ماکسیمم، مینیمم، انحراف استاندارد، چولگی، کورتوز (درجه‌ی اول در یک نمودار آماری)، **Jarque-Bera**، (جدول ۳).
ما سپس آمار توصیفی متعلق به متغیرهای دوقطبی (دو-وجهی)^۱ را در جدول ۴ ارائه خواهیم داد.

جدول ۲. خلاصه‌ی تعاریف متغیر و اندازه‌گیری‌ها

متغیر	خلاصه	معیارها	مراجع کتابشناختی
معیار عملکرد			
عملکرد	PERF	نتایج ROE=Net/حقوق صاحبان سهام	Xu and Wang (1999), Jia et al. (2005) et Omrans (2009)
متغیر محافظه‌کاری			
محافظه‌کاری حسابداری	C-Score	$C\text{-SCORE } i,t = \lambda_0 + \lambda_1 (SIZE\ i,t) + \lambda_2 (M/B\ i,t) + \lambda_3 (LEV\ i,t)$	Basu [52] adjusted by Khan Watts and [51], Ahmed and Duellman [53]
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	M/B	ارزش بازار/ارزش دفتری	Khan and Watts [51]
اندازه	SIZE	مقدار لگاریتم حقوق صاحبان سهام	Khan and Watts [51]
تاثیر قدرت نفوذ (اهرم)	LEV	کل بدهی‌ها/ارزش بازاری حقوق صاحبان سهام	Khan and Watts [51]
متغیرهای هیات مدیره			
اندازه‌ی	TCA	کل تعداد مدیران	Zahra

1. dichotomous variables

and Pearce (1989); and John Senbet [8]			هیات مدیره
Hermalin and Weisbach (2003)	نسبت مدیران مستقل در هیات مدیره	ADM_IND	مدیران مستقل
Baliga, and Moyer (1996); Rechner and Dalton [46]	متغیر دودویی = ۱ اگر مدیر عامل به طور همزمان رئیس هیات مدیره نیز باشد و در غیر این صورت ۰	CUMUL	عملکرد دوگانه
متغیرهای کنترل			
Boubakri et al. (2005); Mak and Kusandi (2002); Villalonga (2000)	نسبت داده های = کل بدهی ها/کل دارایی ها	TAILLE	اندازه ی شرکت
Ng et al. (2009); Sun et al. (2002)	متغیر دودویی = ۱ اگر شرکت تکنولوژیکی باشد و ۰ در غیر این صورت	ENDET	تأثیر قدرت نفوذ
Field et al. (2005)	متغیر دودویی = ۱ اگر شرکت تحت نظارت یک هیات مدیره ی بزرگ باشد و ۰ در غیر این صورت	Contentieux	دادرسی
Watts (2003)	متغیر دودویی = ۱ اگر شرکت متعلق به CAC 40 باشد و ۰ در غیر این صورت	Vérification	حسابرسی

جدول ۳. آمار توصیفی

	Mean	Median	Max	Min	Std. Dev.	Skewness	Kurtosis	Jarque-Bera	Probability
PERF	10,705	10,097	1,43,244	-100,459	15,675	1,428	28,555	9863,516	0,000
C_SCORE	0,133	0,126	0,362	-0,162	0,100	-0,015	2,758	0,885	0,642
ADM_IND	6,380	6,500	13,000	0,000	2,750	0,067	2,407	5,515	0,063
ENDETT	0,319	0,235	7,605	0,005	0,512	10,463	1,36,154	271005,300	0,000
LEV	0,319	0,235	7,605	0,005	0,512	10,463	1,36,154	271005,300	0,000
M/B	1,833	1,457	28,423	0,000	1,950	7,914	1,00,055	144246,600	0,000
R	0,026	0,024	0,202	0,000	0,023	2,763	20,581	5066,105	0,000
SIZE	9,489	9,646	13,544	4,257	1,507	-0,079	3,202	0,987	0,611
TAILLE	9,489	9,646	13,544	4,257	1,507	-0,079	3,202	0,987	0,611
TCA	12,556	12,000	22,000	3,000	3,580	-0,182	3,008	1,983	0,371
X/P	2,837	2,608	9,986	-9,426	2,899	-0,416	4,760	56,489	0,000

جدول ۴. دوگانگی‌های متغیرها

Variables dichotomiques			
	Modalités	effectifs	Fréquences (%)
Cumul	0	159	44,2
	1	201	55,8
Verification	0	180	50
	1	180	50
Contentieux	0	324	90
	1	36	10

ما توجه می‌کنیم که اندازه‌ی متوسط هیات مدیره، ۵۵.۱۲ است. به همین ترتیب، متوسط مدیران مستقل برابر با ۳۸.۰۶ درصد است. در واقع، ما متوجه درصد کوچکی از شاخص‌های مستقل در شرکت‌های فرانسوی می‌شویم. متوسط قابل نسبت دادن به ترکیب عملکردهای موقعیت‌های اجرای شرکت و هیات مدیره، بالاتر از متوسط تفکیک این دو عملکرد، به ترتیب، ۸.۵۵ و ۲.۴۴ است. از این‌رو، تفاوت قابل ملاحظه‌ای در شدت و کیفیت اطلاعات حسابداری سنجیده شده توسط درجه‌ی محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد (۰.۱۳۳).

تجزیه و تحلیل همبستگی

قبل از تخمین هر گونه رگرسیون خطی، توصیه می‌شود اطمینان حاصل شود که هیچ گونه چندخطی بودن^۱ در میان متغیرهای توضیحی وجود ندارد. سپس باید چند تست، مانند تست‌های ناهمواریانی و خود-همبستگی خطا، برای رسیدن به تخمین‌های درست انجام شوند. ما، به منظور کنترل این مساله در سطح نمونه‌ی خود، ضرایب همبستگی پیرسن بین این متغیرها و همچنین «فاکتور تورم واریانس» را محاسبه می‌کنیم (جدول ۵).

بررسی ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که همه‌ی ضرایب همبستگی، زیر حد ۰/۹ قرار دارند که مسائل جدی چندخطی بودن معمولاً از آن شروع به افزایش می‌کنند. علاوه‌براین، طبق این جدول، می‌توان مشاهده کرد که همه‌ی متغیرهای توضیحی ما دارای یک مقدار «فاکتور تورم واریانس» زیر ۵ هستند، که حد پیشنهاد شده توسط گوجاراتی و کندی^۲ است [۵۶، ۵۷]. این نتایج، ما را به این نتیجه‌گیری هدایت می‌کنند که هیچ گونه مساله‌ی جدی چندخطی بودن وجود ندارد.

1. multicollinearity
2. Gujarati and Kennedy

جدول ۵. ماتریس همبستگی و تست VIF

	Perf	C-Score	TCA	ADM_IND	CUMUL	Verif	Cont	Taille	Endet	Vif
Perf	1.000									3.33
C-Score	-0.069	1.000								4.01
TCA	0.153	-0.555	1.000							3.05
ADM_IND	-0.443	-0.358	0.475	1.000						1.52
CUMUL	-0.068	0.330	0.108	-0.087	1.000					1.33
Verif	-0.059	0.378	0.472	0.562	0.072	1.000				3.54
Cont	-0.223	-0.056	-0.194	-0.155	0.091	-0.111	1.000			4.04
Taille	-0.099	0.239	-0.608	0.5079	-0.080	0.634	-0.331	1.000		1.56
Endett	-0.026	-0.047	-0.103	-0.098	0.049	-0.166	0.106	-0.212	1.000	1.77

تجزیه و تحلیل رگرسیون

مطالعه‌ی ما نمونه‌ی از ۶۰ شرکت بورسی مشاهده شده در طول چند سال را پوشش می‌دهد، که طبق تعریف، منجر به تخمین مدل رگرسیون تعریف شده بالاتر از همه‌ی داده‌های پانل می‌شود. با توجه به ماهیت ویژه‌ی داده‌های پانل، ترتیب برخی مراحل اقتصادسنجی باید لزوماً رعایت شود. در ابتدا باید توجه شود که مدل اثر ثابت رد شد زیرا رگرسیون شامل متغیرهای ساختگی ناوردا در بعد زمانی است. بنابراین، یک تخمین مدل تصادفی استفاده شد و متعاقباً، تست «Breusch-Paga» به نام «تست مضرب لاگرانژ برای تأثیر تصادفی»، برای تشخیص این که آیا اثرات خاص وجود دارند یا نه استفاده شد. به عبارت دیگر، این تست به تشخیص این که کدام مدل باید استفاده شود کمک می‌کند: مدل «یکپارچه» (pooled) یا اثر-تصادفی. نتیجه‌ی این تست (جدول ۵)، در آمار کای-دو قابل توجه است ($\text{Prob} > \text{Chi}^2 = 0.000$)، که منجر به این می‌شود که ما، وجود اثرات انفرادی را تایید کنیم. بنابراین، مدل اثر تصادفی، برای تخمین مدل‌های رگرسیون مختلف حفظ می‌شود. از آن به بعد، ناهمواریانی، توسط انجام تست Breusch-Pagan، تست شد. در مورد تست ناهمواریانی، فرضیه‌ی پوچ، ناهمواریانی است، که زمانی که همه‌ی باقیمانده‌های در ضرایب رگرسیون برابر با صفر باشند، اتفاق خواهد افتاد. برای انجام این تست، ما باید مربع باقیمانده‌های ناشی از مدل اثر تصادفی را با متغیرهای توضیحی مدل‌های رگرسیون مختلف، تحت رگرسیون (پسرفت) قرار می‌دادیم. به عنوان نتیجه‌ای از این تست (جدول ۵)، آمار فیشر قابل توجهی وجود دارد ($\text{Prob} > F = 0.000$). این باعث می‌شود که ما فرضیه‌ی پوچ را رد کنیم و متعاقباً، وجود یک مساله‌ی ناهمواریانی را تایید کنیم. در این مورد باید روش حداقل مربعات تعمیم یافته (MCG یا GLS) استفاده شود، که اصلاح را ممکن می‌سازد. اگرچه، به منظور اجرای این روش، ما باید ابتدا شکل ناهمواریانی را شناسایی کنیم. به همین دلیل، یک تست اصلاح شده‌ی Wald با استفاده از برنامه‌ی STATA انجام شد. این تست کنترل می‌کند که آیا ناهمواریانی، بین-فردی است یا نه. تحت فرضیه‌ی پوچ، این تست فرض می‌کند که واریانس خطا برای همه‌ی افراد یکسان است و آمار، از یک کای-دو با درجه‌ی آزادی N (که در مورد ما برابر با ۶۰ است) پیروی می‌کند. بر اساس ارزیابی P-مقدار

1. Fisher's statistics

مربوط به تست کای-دو، فرضیه‌ی پوچ را نمی‌توان پذیرفت. رد این فرضیه، علاوه‌براین، ساختار ناهمواریانسی را مشخص نمی‌کند. نتیجه‌گیری ناهمواریانسی قبلی، بدون هیچ ویژگی اضافی، یکسان باقی می‌ماند. پس از آن، برای خود-همبستگی خطا، ما تست خود-همبستگی درون-فردی Wooldridge را دنبال کردیم. نتایج این تست (جدول ۵)، وجود یک خود-همبستگی سری را تایید می‌کنند ($Prob > F$) کوچکتر از ۰/۰۵ است). به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که مسائل ناهمواریانسی و خود-همبستگی وجود دارند. در داده‌های پانل، مدلی که وجود ناهمواریانسی و خود-همبستگی را ملاحظه می‌کند مدل حداقل مربعات تعمیم یافته‌ی ممکن (FGLS) است (جدول ۶).

جدول ۶. نتایج تخمین‌های FGLS برای تجزیه و تحلیل اثرات تعدیل‌کننده‌ی هیات مدیره روی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری و عملکرد شرکت

رگرسیون FGLS سری‌های زمانی مقطعی ضرایب: حداقل مربعات تعمیم یافته‌ی ممکن پانل: ناهمواریانسی با همبستگی مقطعی تعداد مشاهدات = ۳۴۰؛ تعداد گروه‌ها = ۴۰؛ دوره‌های زمانی = ۴				
PERF، متغیر وابسته				
متغیرهای مستقل	Modèle 1	Modèle 2	Modèle 3	Modèle 4
	Coeff. (z-stat)	Coeff. (z-stat)	Coeff. (z-stat)	Coeff. (z-stat)
Constante	21,175** (1,999)	32,048*** (3,5508)	25,26*** (2,8015)	21,97*** (0,2604)
C-score	20,038*** (2,0163)	69,339*** (2,84056)	4,8284 (0,1687)	10,6955* (1,9802)
TCA	-0,1638* (-1,9719)	-0,3911*** (-3,97432)		
C-score*TCA	4,078 (1,0274)	-5,3516** (-2,0629)		
ADM_IND	0,652*** (2,2671)		0,2362* (1,7624)	
C-score*ADM_IND	0,2934* (1,9645)		1,5516* (2,0896)	
CUMUL	-4,763*** (-2,2688)			-2,5551* (-1,8532)
C-score*CUMUL	-27,965*** (-2,4266)			-11,722** (-2,068)
VERIFICATION	0,08811 (0,02932)	-0,4442 (-0,16402)	-0,567 (-0,2057)	-0,9895 (-0,3659)
CONTENTIEUX	-9,3624** (-2,4269)	-10,3677*** (-2,9212)	-9,824*** (-2,7202)	-10,107*** (-2,8054)
TAILLE	-1,42319 (-1,2584)	-1,5622 (-1,6053)	-1,3455 (-1,3582)	-1,2322 (-1,3754)
ENDET	-0,24288 (-0,15673)	-0,0875 (-0,0594)	-0,11945 (-0,08098)	-0,1421 (-0,0969)
تست مضرب لاگرانژی پروش‌چکان برای اثرات تصادفی				
Chi2	52,75	67,27	72,36	68,59
Prob>chi2	(0,000)	(0,000)	(0,000)	(0,000)
تست پروش‌چکان برای ناهمواریانسی				
F-statistic	1104,35	906,66	666,43	587,66
Prob>F	(0,000)	(0,000)	(0,000)	(0,000)
تست والد برای ناهمواریانسی				
Wald chi2	304,35	33,02	43,02	43,82
Prob>chi2	(0,000)	(0,000)	(0,000)	(0,000)
تست دوپراج برای خود-همبستگی				
F-statistic	70,9553	11,9592	11,3087	17,0685
Prob>F	(0,00000)	(0,000808)	(0,000985)	(0,00003)

* Significant at 10% level ** Significant at 5% level *** Significant at 1% level

در ادامه، ما نتایج تخمین FGLS مدل های رگرسیون مختلف را که اثر تعدیل کننده ی مشخصات هیات مدیره روی ارتباط بین کیفیت اطلاعات حسابداری سنجیده شده توسط سطح محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت را تست می کنند تفسیر خواهیم کرد. ما سعی خواهیم کرد بررسی کنیم که آیا تأثیر محافظه کاری حسابداری روی عملکرد شرکت، توسط مشخصات مربوط به هیات مدیره تعدیل می شود. به عبارت دیگر، نکته ای که باید بررسی شود این است که آیا این اثر با توجه به اندازه ی هیات مدیره، استقلال مدیران، و ترکیب عملکرد مدیرعامل و رئیس هیات مدیره تغییر می کند. جدول زیر، تخمین های FGLS مدل های رگرسیون مختلف شامل متغیرهای مختلف مربوط به هیات مدیره را ارائه می دهد. از مدل های ۲ تا ۴، ما اثر تعامل هر متغیر، تنها با سطح محافظه کاری حسابداری را روی عملکرد شرکت تست می کنیم. مدل ۱ به طور همزمان شامل همه ی متغیرهای مربوط به هیات مدیره و تعاملات آن ها با سطح محافظه کاری است.

با توجه به اثر تعدیل کننده ی هیات مدیره، واضح است که تأثیر تعامل $TCA * C\text{-}score$ منفی و در سطح ۱۰ درصد برای مدل ۱۰ و در سطح ۱ درصد برای مدل ۲ قابل توجه است. یک چنین نتیجه ای نشان می دهد که اندازه ی هیات مدیره دارای اثر منفی روی تعدیل ارتباط بین سطح محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت است. این نظریه، با جان ک و سنبت، ل و لپتون و لورسچ در مطالعه ی آن ها [۸، ۲۸] مشترک است. نویسندگان، اثر منفی اندازه ی هیات مدیره را پشتیبانی می کنند. طبق نظر جان ک و سنبت، ل، اندازه ی هیات مدیره دارای ارتباط منفی با توانایی آن برای کار موثر است. برای لپتون و لورسچ، اندازه ی هیات مدیره کاهش می یابد و مانع هر گونه فرایند ارتباطی می شود [۸، ۲۶].

مدل های ۱ و ۳ جدول زیر نشان می دهند که جمله ی تعامل $C\text{-}Score * AMD_IND$ ، مثبت و به طور ضعیفی قابل توجه است (در سطح ۱۰ درصد). یک چنین نتیجه ای نشان می دهد که استقلال هیات مدیره دارای اثر مثبتی روی ارتباط بین محافظه کاری و عملکرد شرکت است. بنابراین، این حقیقت که هیات مدیره تحت تأثیر مدیران مستقل است منجر به بهبود عملکرد می شود. این با توجه به حقیقت تحریک می شود که این مدیران مستقل، با توجه به این که از تأثیر هر گونه نفوذ مدیریتی آزاد هستند، به عنوان بهترین افراد برای کنترل رهبران و محدود ساختن فضای احتیاطی آن ها در نظر گرفته می شوند. این مدیران لزوماً به وسیله ی محافظت منافع سهامداران و به حداکثر رساندن ارزش شرکت هدایت می شوند. آن ها در فرایند تصمیم گیری، کنترل و تصویب تصمیمات اتخاذ شده توسط رهبران، به چنان روشی مشارکت فعالانه دارند که تنها پروژه های ایجاد کننده ی ارزش برای سهامداران باید انجام شوند [۱۷، ۵۸].

مطالعه ی تأثیر ترکیب عملکردهای مدیرعامل و رئیس هیات مدیره روی ارتباط بین محافظه کاری حسابداری و عملکرد شرکت نشان می دهد که این تأثیر (در سطح ۱ درصد) طبق ضریب جمله ی تعامل $C\text{-}Score * CUMUL$ منفی و قابل توجه است. این نتیجه نشان می دهد که تأثیر محافظه کاری حسابداری روی عملکرد شرکت، در شرکت هایی که در آن ها مدیرعامل و رئیس هیات مدیره، یک نفر

هستند در مقایسه با شرکت‌هایی که در آن‌ها تفکیک هر دو عملکرد وجود دارد، کمتر مطلوب است. یک چنین نتیجه‌گیری همچنین توسط مرور تحقیقات قبلی پشتیبانی می‌شود [۲۸، ۵۹، ۶۰]. این سازگار با ورودی پشتیبانی شده توسط نظریه نمایندگی است که ترکیب عملکردها را به عنوان منبع بالقوه‌ای برای تعارض منافع در نظر می‌گیرد.

ما در نهایت می‌توانیم اشاره کنیم که نتایج ما سازگار با مطالعات انجام شده توسط جان ک و سنبت ل، لپتون و لورسج، فاما و جنسن، زهرا، گودارد و اسکات، و بوید هستند که تاثیر هیات مدیره را روی عملکرد و محافظه‌کاری حسابداری در محدوده‌ی شرکت‌ها نشان داده‌اند [۸، ۱۸، ۲۶، ۲۸، ۵۸-۶۰].

نتیجه‌گیری

ما در این مقاله سعی کردیم اثر تعدیل‌کننده‌ی هیات مدیره روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را ارائه دهیم. هدف این کار دوگانه است. ما تاثیر محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت را درک کردیم و اثر تعدیل‌کننده‌ی هیات مدیره روی ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را شناسایی کردیم. مفهوم عملی مطالعه‌ی ما شامل مطالعه‌ی تاثیر تعامل هیات مدیره و محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت است. در این رابطه، متغیر تعدیل‌کننده‌ی ما، یعنی هیات مدیره، جهت و نیروی تاثیر محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت را تعدیل می‌کند. شناسایی اثر تعدیل‌کننده‌ی هیات مدیره دارای اهمیت زیادی است زیرا تعدیل، اهمیت ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را افزایش می‌دهد. در عین حال، نادیده گرفتن چنین تاثیری ممکن است منجر به نتیجه‌گیری درباره‌ی اثر احتمالی سطح پایین محافظه‌کاری حسابداری روی عملکرد شرکت شود. یک مطالعه‌ی تجربی برای تست اعتبار فرضیات ظاهر شده از تحقیقات قبلی برای تایید یا رد نتیجه‌گیری‌ها به دست آمده انجام شد. نتایج ما سازگار با نتایج برخی از مطالعات پیشین هستند. آن‌ها، در حقیقت، تصمیم‌گیری در مورد اهمیت هیات مدیره به عنوان یک مکانیسم مرکزی حاکمیت در تعدیل ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت را ممکن می‌سازد. در نتیجه، علی‌رغم نتایج کشف شده، به نظر می‌رسد که توسل به مدیران مستقل، در تعدیل ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت، موثرتر است. علاوه‌براین، تفکیک مدیرعامل و هیات مدیره برای تعدیل بهتر ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت، موثرتر خواهد بود. به طور مشابه، راهنمایی‌های کوچک، در تعدیل ارتباط بین محافظه‌کاری حسابداری و عملکرد شرکت، موثرتر واقع خواهند شد.

فهرست منابع و مآخذ

- ___ Aghaei M. A. , Etemadi, H. , Azar A. and Chalaki P. (2009). The Characteristics of Corporate Governance and Information Content of Profit in Tehran Stock Exchange with Emphasis on the Role of Profit Management. *Journal of Iranian Management Science*, 4(16), 27-58. (in Persian)
- ___ Aghaie, M. , Chalaki, P. (2010). Studding the Relationship between Corporate Governance attributes and the Information Content of Accounting Earnings: The Role of Earnings Management. *Iranian journal of management sciences*, (3), 1-24. (in Persian)
- ___ Agrawal, A. , & Chadha, S. (2005). Corporate Governance and Accounting Scandals. *Journal of Law and Economics*, 43(2), 371-406.
- ___ Ahmadpour, A. , Ahmadi, A. (2010). Using the Financial Information's Qualitative Characteristics for Evaluating Earning Quality. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 15(52), 3-16. (in Persian)
- ___ Ahmadpour, A. , Ghahramani, H. (2010). Study of accounting information's reliability qualitative characteristic in earning quality measures of Companies. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 16(58), 3-19. (in Persian)
- ___ Ashiq, A. , Zhang, W. (2015). CEO tenure and earnings management. *Journal of Accounting and Economics*, 59(1), 60-79.
- ___ Arabsalehi, M. , Ziaie, M. (2010). Relationship between governance system and earnings quality in companies accepted in Tehran Stock Exchange. *Quarterly Financial Accounting*, 2(5), 39-56.
- ___ Baradaran Hassanzadeh, R. , Taghizadeh, H. , Rezai, A. (2011). The Study of Effect of Ownership Structure on Information Content of Earnings in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 3(2), 107-124. (in Persian)
- ___ Barth, M. E. , Beaver, W. H. , Landsman, W. (2001). The relevance of value relevance research for financial accounting standard setting: Another view. *Journal of Accounting and Economics*, 31, 77-104.
- ___ Barua, A. (2006). Using the FASB's qualitative characteristics in earnings quality measures. PhD dissertation. University of Chittagong.
- ___ Basu S. (1997). The Conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 3-37.
- ___ Beasley, M. (1996). An Empirical Analysis of the Relation between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud. *The Accounting Review*, 71(4), 443-464.
- ___ Bebchuck, L. , Cohen, A. (2004). The costs of entrenched boards. Working Paper. Harvard Law School.
- ___ Beekes, W. , & Brown, P. (2006). Better-Governed Australian Firms make More Informative Disclosures. *Journal of Business Finance and Accounting*, 33 (3), 422-450.

- ___ Blue Ribbon Committee (1999). Report and Recommendations of the Blue Ribbon Committee on Improving the Effectiveness of Corporate Audit Committees. New York: New York Stock Exchange and National Association of Securities Dealers.
- ___ Bodaghi, H. , Bazaz Zadeh, H. (2007). Relationship between Disclosure Quality and Earnings Management. Empirical Studies in Financial Accounting, 5(17), 173-212. (in Persian)
- ___ Burgstahler, D. , & Eames, M. (2006). Management of Earnings and Analysts' Forecasts to Achieve Zero and Small Positive Earnings Surprises. Journal of Business Finance & Accounting, 33, 633-652.
- ___ Busham, R. M. , Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. Journal of Accounting and Economy, 32, 237-333.
- ___ Byard, D. , Li, Y. , & Weintrop, J. (2006). Corporate governance and the quality of financial analysts' information. Journal of Accounting and Public Policy, 25(5), 609-625.
- ___ Carcello, J. , & Neal, T. L. (2000). Audit committee composition and auditor reporting. The Accounting Review, 75(4), 453-468.
- ___ Collins, W. D. , Kothari, S. P. (1989). An analysis of intertemporal and cross-sectional determinants of earnings response coefficients. Journal of Accounting and Economics, 11(2-3), 143-181.
- ___ Dechow, P. M. , Sloan, R. G. , & Sweeney, A. P. (1995). Detecting Earnings Management. The Accounting Review, 70(2), 193 -225.
- ___ Fairfield, P. , Sweeney, R. , Yohn, T. (1999). Accounting classification and the predictive content of earnings. The Accounting Review, 71 (3), 337-355.
- ___ Francis, J. , Olsson, P. , & Schipper, K. (2008). Earnings Quality. Foundations and Trends® in Accounting, 1(4), 259-340.
- ___ Hassas Ycganeh, Y. , Yazdanian, N. (2007). The Effect of Corporate Governance on Decrease Earning Management. Empirical Studies in Financial Accounting, 5(17), 151-171. (in Persian)
- ___ Hassas Yeagneh. (2009). Corporate Governance and Directing Board. The Collection of Articles on Corporate Governance. (in Persian)
- ___ Healy, P. M. , Palepu, K. G. and Ruback, R. S. (1992). Does Corporate Performance Improve After Mergers? Journal of Financial Economi
- ___ International Accounting Standards Board (2010). The Conceptual Framework for Financial Reporting, 30 Cannon Street, London EC4M 6XH, United Kingdom.
- ___ Jensen, M. C. , & Meckling, W. H. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. Journal of Financial Economics, 3(4), 305-360.
- ___ Jiang, W. , Lee, P. , & Anandarajan, A. (2008). The Association between Corporate Governance and Earnings Quality: Further Evidence Using the

GOV-Score. Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting, 24,191-201.

___ Klein, A. (2002). Audit Committee, Board of Director Characteristics, and Earnings Management. Journal of Accounting and Economics, 33(3), 375-400.

___ Krishnan, J. (2001). Corporate governance and internal control: An empirical analysis. American Accounting Association Annual Meeting. Atlanta, Georgia.

___ Krugman, P. (2002). The insider game. New York Times (July 12).

___ Larcker, D. , Richardson, S. , & Tuna, I. (2004). Does corporate governance really matter? Working paper, The Wharton School.

___ Levitt, Jr, A. (1998). The numbers game. The CPA Journal, 68(12), 14-19.

___ Loomis, C. J. (1999). Lies, damned lies, and managed earnings. Fortune (August 2).

___ Mashayekh, M. , Esmaeili, M. (2006). Earning quality and Corporate Governance in listed firms in TSE. The Iranian accounting and auditing review, 13(3), 25-44.

___ McDaniel, L. , Martin, R. D. , Maines, L. A. (2002). Evaluating financial reporting quality: The effects of financial expertise versus financial literacy. The Accounting Review, 77, 139-167.

___ McMullen, D. A. (1996). Audit committee performance: An investigation of the consequences associated with audit committees. Auditing: A Journal of Practice and Theory, 1 -28.

___ Mehrani, K. , Safarzadeh, M. H. (2011). Determination of relations between corporate governance and profit quality to native approach. Accounting knowledge, 2(7), 69-98. (in Persian)

___ Nelson, M. , Elliot, J. , & Tarpley, R. (2002). Evidence from auditors about managers' and auditors' earnings management decisions. The Accounting Review, 77, 175 -202.

___ Noravesh, I. , Hosseini, S. (2009). Corporate Disclosure Quality (consist of timeliness and reliability) and Earnings Management. Journal of Accounting and Auditing Review, 20(2), 133-147. (in Persian)

___ OECD Principles of Corporate Governance (2004). Organization for economic co-operation and development. Principe's degouvernement d'entreprise de l'OCDE publication. Paris, France.

___ Palmrose, Z. , Scholz, S. (2002). The accounting causes and legal consequences of non-GAAP Reporting: Evidence from restatements. Contemporary Accounting Research Conference. (November).

___ Penman, S. , Zhang, X. (2002). Accounting Conservatism, the Quality of Earnings, and Stock Returns. The Accounting Review, 77(2), 237-264.

___ Petra, S. (2007). The effects of Corporate Governance on the Effectiveness of Earnings. Economics of Governance,

- ___ Ramsay, I. (2001). Ramsay Report. Independence of Australian company auditors. Review of current Australian requirements and proposals for reform. <http://www.treasury.gov.au>.
- ___ Sánchez-Ballesta, J. P. , & García-Meca, E. (2007). Ownership Structure, Discretionary Accruals and the Informativeness of Earnings. *Corporate Governance: An International Review*, 15(4), 677-691.
- ___ Sarbanes, P. , & Oxley, M. (2002). Sarbanes -Oxley Act of 2002. Washington, DC: U. S. Congress.
- ___ Setayesh, M. , Ebrahimi, F. (2011). Effects of Corporate Governance on Earnings Informativeness of the Companies in Tehran Stock Exchange. *Accounting Knowledge*, (8), 31-48. (in Persian)
- ___ Shorozi, M. (2008). Using quality attributes in conceptual framework of financial reporting for evaluating audit quality. PhD dissertation, Science and research unit, Azad University. (in Persian)
- ___ Watts, R. L. , Zimmerman, J. L. (1986). Positive accounting theory. Prentice-Hall.
- ___ Wu, M. (2002). Earnings restatements: A capital market perspective. Working paper, New York University.